



معرفی چند سند تاریخی از «نقش تبریز در نهضت تحریم تنباکو»

پدیدآورده (ها) : رنجبر فخری، محمود

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز و زمستان 1378 - شماره 35 و 36
از 24 تا 29

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92253>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 13/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



معرفی چند سند تاریخی از «نقش تبریز در نهضت تحریم تنباکو»

به کوشش: محمود رنجبر فخری

برای دعوت مردم تبریز به آرامش و خودداری از چسباندن اعلامیه نکته بارز و حائز اهمیت دیگری را روشن می‌سازد و اینکه نهضت تنباکو در تبریز منحصر به تحریم عادی از سوی مردم نبوده بلکه با تحرک سیاسی - اجتماعی گسترده‌ای همراه بود. این امر بویژه در سالهای قبل از وقایع مشروطیت در خور تأمل می‌باشد. روحیه ضد استعماری و بیگانه سبیزی مردم در این نهضت چنان بالا گرفته بود که موجب نگرانی قاطبه ارامنه ساکن در کوی ارمنستان تبریز گردیده و آنها طی نامه‌ای که ظاهرأ خطاب به حاج میرزا جواد آقا مجتهد نوشته شده (سند شماره ۴) مراتب احترام خود را به این نهضت دینی و عدم ارتباط آنها با افراد کمپانی انگلیس که گویا آنها نیز در همان محل ساکن بوده‌اند، اعلام و از این حرکت دینی و ملی پشتیبانی کرده‌اند.



دستخط مبارکی

به سامره تلگراف شود

جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین حاجی میرزا حسن شیرازی سلمه‌الله تعالی بتوفیقات ربانی و تائیدات صمدانی همواره موید و موفق باشند. چون مدتی است از مجاری حالات شریعت آیات آنجناب اطلاع کافی نداشتیم و همیشه سلامتی و استقامت ذات کثیرالبرکات آنجناب را برای ترویج دین مبین طالب هستیم، در این اوقات که از سفر بیلاقات و سرکشی ولایات مازندران بدارالخلافت مراجعت نمودیم، لازم شمردیم که به این دستخط تلگرافی از سلامتی مزاج شریف استفسار فرمائیم و خواهش نمائیم که همیشه اوقات در آن اماکن متبرکه مقدسه ما را از دعا فراموش ننمائید و همواره از سلامت وجود شریف خاطر ما را مستحضر و سرور فرمائید. ناصرالدین شاه قاجار ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۱۱
از دارالخلافت طهران

اسناد و فرامینی که از دوره حکومت قاجاریه برجای مانده، بیانگر این واقعیتند که سلاطین و حکمرانان قاجار با وجود میل به خوشگذرانی و بی‌کفایتی در اداره امور کشور به نوعی تظاهر در حمایت از ساحت دین و مقدسات مذهبی دست یازیده‌اند. برخورد چاپلوسانه و رفتار احتیاط‌آمیز آنان با رهبران دینی و علمای مذهبی بویژه پس از واقعه تحریم تنباکو دو دلیل عمده و آشکار داشته است. نخست اینکه علمای شیعه همواره مسائل سیاسی و رویدادهای اجتماعی را تعقیب می‌نمودند و از سوی دیگر مورد علاقه و اعتماد مردم بودند. سواد تلگراف ناصرالدین شاه به شیرازی شیرازی (سند شماره یک) که متن آن عیناً بنظر خوانندگان می‌رسد، گواه بر این مدعاست. هر چند پای‌بندی و اطاعت بی‌چون و چرای مردم از علمای دینی موجب گردیده بود تا کنسولخانه‌های خارجی نیز در صدد ارتباط و نفوذ بر روحانیت برآیند. واقعه تحریم تنباکو یک رویداد استثنائی و برآیند بی‌سابقه از حضور آگاهانه علمای دینی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و ارتباط تنگاتنگ میان آنها و قاطبه مردم بوده است. این نهضت دینی و ملی زنگ بیداری را برای مردم ممالک اسلامی به صدا درآورد و در عین حال ندای هشدارباشی برای دول استعمارگر بود. مردم با آگاهی یافتن به پوشالی بودن نظام استبداد، بستر و زمینه لازم را بتدریج برای تعیین حق سرنوشت خویش یافته و مسأله حاکمیت قانون و آزادیهای سیاسی - اجتماعی طرح شد که در نهایت منجر به وقوع انقلاب مشروطیت ایران گردید. متأسفانه در حال حاضر اسناد معدودی از این نهضت بزرگ باقی مانده و اکنون دستخطی ارزشمند از مرحوم میرزای شیرازی در سازمان اسناد ملی ایران «مدیریت منطقه شمال غرب کشور» در تبریز نگهداری می‌شود. (سند شماره ۲) سند مذکور متن استفتاء علمای تبریز از ایشان در مورد حکم شرعی استفاده از تنباکوئی است که اشخاص در مزارع شخصی خود کشت می‌کنند و مرحوم میرزای شیرازی پاسخ لازم را در حاشیه استفتاءنامه مرقوم و ارسال نموده‌اند.

نقش تبریز در تحولات سیاسی کشور را می‌توان به گونه‌ای آشکار در نهضت تحریم تنباکو نیز مشاهده کرد. متن تلگراف امین‌السلطان به آیت‌الله حاج میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی (سند شماره ۳) و درخواست از ایشان

بسم الله الرحمن الرحيم

حجة الاسلام امام الله تعالى ظلکم العالی در باب دخانیه حکمی از حضرت مستطاب عالی انتشار یافت که تصریح بحرمت آن فرموده بودید ولی ترخیص آن را معلق بر رفع امتیاز فرموده اید چون مقصود از رفع مشبه بود و فعلاً بجهت انتشار بعض اخبار بر رفع و وصول پاره تلگرافات و غیرها در اطراف تکلیف مشبه و امر مشابه است مستدعی چنان است که تکلیف فعلی عموم مکلفین را معین و مناط رخصت را مقرر فرمایند تا اطاعت شود و بر تقدیر بقاء حکم منع آیا استعمال دخانیاتیکه ملک خود شخص است و در دست فرنگی نیامده جایز است یا خیر با شرایط رفع امر عالی مطاع مطاع مطاع.

بسم الله الرحمن الرحيم بلی حکم بحرمت کرده ام چنانکه انتشار یافته و مراد از رفع امتیاز که معلق علیه رخصت است رفع ید فرنگی است از دخانیات بالمره در داخله و خارجه و چون اعتماد از تلگرافات مرتفع شده مادام که بنحو مذکور بر خود حقیر رفع محض نشود و مطمئن نشوم و خود اخبار ننمایم به رفع حکم منع موجود و اجتناب لازم و رخصت نیست هر چند مأخوذ از فرنگی نباشد. حرره الاحقر محمدحسن الحسینی

بسم الله الرحمن الرحيم سواد مطابق اصل بخط و مهر احقر محمدحسن الحسینی است

اثر مهر: عبده محمدحسن الحسینی

رونوشت استفتا و حاشیه در «تاکید بر حرمت دخانیات» بخط مرحوم حاجی میرزا حسین الحسینی معروف به میرزای شیرازی



از تهران به تبریز

خدمت جناب مستطاب آقای حاجی میرزا جواد آقای مجتهد سلمه الله تعالی

در مراجعت از قم پاکت جنابعالی را دبیرالملک رسانید ملاحظه شد و زیاده از حد مایه تعجب و تحیر گردید. شرحی با پست امروز که دوشنبه است نوشته و فرستادم انشاء الله تعالی میرسد و ملاحظه میفرمائید لازم است که تا یک درجه انسان گوش به بعضی اخبار اراجیف ندهد و از قراریکه دیروز و امروز خبر میرسد در تبریز باز گفتگوی دخانیات عنوان و حکایت اعلان چسباندن و بعضی اقدامات دیگر شیوعی بهم رسانیده است لازم دانستم در عالم دوستی قدیمی همین قدر خدمت جنابعالی اظهار نمایم که به اینکه چندی قبل این مسئله عنوان شد و بندگان اقدس همیون ظل الهی روحنا فداء اینطور مقرر فرمودند دیگر حالا در صورتیکه نه کمپانی کسی را به تبریز فرستاده است نه اقدام به اینکار شده است این هیجان و گفتگوها را چرا بمیان آورده اند و کی بمیان آورده است. آخر چرا باید اخبار اراجیف

بی معنی دروغ نویسی طهران اینطور اسباب گفتگوها را میان آورد و دولت و ملت را در انظار خارج و داخل و کافر و مسلم خفیف کرد خوب است در سوء عاقبت این کار قدری تأمل و ملاحظه فرموده مردم را نصیحت و موعظه فرمائید و بی جهت نگذارید اسباب تغیر خاطر دریا مقاطر همیون فراهم شود می توانم اطمینان کامل بشما بدهم که هر چه از طهران بفرمائید بشما نوشته اند تمام دروغ بوده است.

امین السطان



معروض حضور انور میدارد اولاً امیدوار است که انشاء الله تعالی وجود مسعود مبارکی جناب مستطاب عالی قرین کمال صحت و عافیت بوده و ملالی در خاطر عطفوت تخمیر ندارد و در ثانی زحمت عرض میدهد چنانکه معلوم حضور مراحم موقور مبارکست که ملت آرامنه ساکنین ممالک محروسه همواره اوقات با ملت اسلام شریک نیک و بد بوده و از زمان سابق تاکنون با همدیگر با نهایت مهربانی برادرار رفتار کرده اند علی الخصوص در این ایام خیریت فرجام که از برکات الطاف بلانهایات علما و حامیان شریعت ظاهر محمدی (ص) با کمال صفا و اتحاد بسر برده در میان این دو ملت کدورت و معاندتی بهم نرسیده مگر اینکه در فقره دخانیه که چند نفر فرنگی عمل دخانیه را از اولیای دولت جاوید آیت اجاره و قبول کرده باعث اکراه و کدورت [کدورت] ملت اسلام از ملت مسیحی شده زیرا که مستأجرین دخانیه خودشان را باسم مسیحی موسوم و بلباس آنها ملبس ساخته بدین واسطه خلق نمیتوانند تمیز و تشخیص بدهند و فرنگی را مسیحی گمان کرده و در صدد اضرار و آزار آنها هستند و حال آنکه اگر ملت اسلام این فقره را محض صلاح دولت و خیر ملت نمیخواهند قبول بکنند در این صورت ملت آرامنه تابع اسلام و شریک خیر میباشند چون بعضی از عوام ناس از روی نادانی در صدد این هستند آرامنه را که در هر حال با ملت اسلام کمال رفاقت و شراکت را دارند اذیت برسانند لهذا این داعی الیوم سفارشات و تلگرامهای لازمه به سفرای دول خارجه که در دارالخلافه متوقفند کرد که استدعای عموم ملت اسلام و مسیحی را در این باب اولیای دولت قاهره قبول کرده، محض به جهت آسودگی ملت و صلاح دولت این فقره را موقوف دارند و چند نفری که از ریش سفیدان و روساء ملت در خلیفه گری حضور داشتند قرار گذارده شد که این فرنگی را که در محله ارمنستان منزل کرده و باعث این همه اغتشاش گردیده، مأمورین دولت متبوعه خودش اخراج نمایند و در محله او را جای ندهند مخصوصاً از آنجناب مستطاب عالی استدعا دارد که آنجناب نیز در موارد مقتضیه و مجالس مجتمعه چنانچه لازمه مرحمت و عطفوت است مراتب را بطور لازم بمردم القاء و رفع این غائله را از میان دو ملت بفرمایند.

تصحیح

بنام خداوند

حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم
 در بیان فضیلت قرآن مجید فرمودند که هر کس
 این کتاب را بخواند یا در آن تلاوت کند
 خداوند او را از آتش جهنم نجات دهد
 و هر کس در روز قیامت این کتاب را
 در دست گیرد و آن را بخواند
 خداوند او را از آتش جهنم نجات دهد
 و هر کس در روز قیامت این کتاب را
 در دست گیرد و آن را بخواند
 خداوند او را از آتش جهنم نجات دهد

در روز قیامت
 ۱۳۱۱
 زردکوه تهران

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مصلحتی در باب دعای حضرت زین العابدین علیه السلام



بشارت کتب محرمات در محدوده و در حوالی را

اسرار در محدوده چون بمقصود از روح شسته بود و فلاحه

بعضی اخبار روح و وصول باره بکلمات و عبارات طراد

کشف مشبه و اثر شایسته مسدود حلال که کشف

عموم تکلیف معنی و ساطی حضرت را مقرر در ماده ۴

در بعد از حکم مع آتیه و حاکم که کتب

دور در حیطه ماده ۴ و ۵ را مقرر در ماده ۴

Handwritten marginal notes in Persian script, likely providing commentary or additional information related to the main text.

صحت دعایت بوده و در خفا عطاقتی تکرار دارد و در شان حضرت عرض می کند که من در حق او
 بدارکت در حق او این کین ملک محمود و محموده اتفاق افتاد است اما شریک نیک بدو بود از زبان
 سابق تا کنون با هم که نهایت مهر با او در ردیف کرده اند که مخصوص در این مقام فرجام
 در بركات لطافت با نهایت عدل و عین شریعت طاهر مهر بر کمال صفات او در بر
 در بیان این در حق که در است و مانند آن هم زبیده که همیشه در شهره و خانه که خنده فرنگی
 و خانه را در دوزخ بر حق جاود آیت چاره و قبول کرده است اگر در قدرت است بهر قدرت
 می شنید از آن که ستم و خانه خودش را با هم می سرود و بیس آنها بیس ساخته بدین مصلحت
 فخره نیز تشخیص به بند فرج را می گمان کرده و در حد و بند در دوزخ آنها است و حال آنکه
 اگر است اقام این شهره را محض صلاح است و حضرت می خوانند قبول بکنند در این صورت است
 در این تبع است و شریک نیز بیست چون بعضی از علوم است از دوزخ و دانند در حد و این
 در هر حال است اقام کمال رفاقت و شراکت در این نوعی برسانند لهذا این اقام
 معذرات و کتاتها سر دوزخ بفرار حال خارجه که در در حد و ترفقه که در هر تنه است
 اسم و سحر را در جناب در این صورت تا آنکه کرده محض جهت اولی است و اصلاح
 این خوره را بر توفیق در دوزخ با چند نفر که در زایش بعد از دوران است و بعضی که در
 قدر که در دوزخ را که در حد و زایش است که در این جهت است و این همه نقش کرده
 بنده خود را فرج نایم در حد و در جاسر منزه محض در جناب مطابقت است با همه در در حد و جناب
 در موارد تعیینه و جاسر محبت چنانچه در حد و در حد و در حد است است است است است است
 بهر آن که در این دوزخ را از زایش در حد و در حد

در سینه در غایت رحمت غیاث در شمار علماء کبیر
 مطلع شوم در طراوت این کس که به اشارت از همه جا شرف و تحت تره
 رفعت شوم بود این جنبه وقت در خط کافه در وقت الطلوع
 لایح کار نبوی است که همه هم در روز غایت در علم خضار در وقت خارج
 در کمال بجمه ای که در معیشت در خاک کوه کوه در عدل و شرف
 در راه ترنما در کمال قرب این محراب است بر کار
 در حرم در حرم خدایات در همه شرف و تیره در خوف
 در حق صحیح و بوق به است در همه در طرف قریب
 در نفس در حق علم ای که در همه شرف غیاث حرام
 در دست خدای عالم هر چه منسوبه گویند در توحید
 در نفس نه در تقصیر در لیس است که بکار
 صحیح کن بر همه در علم